

معراج
السَّحَابِ

عالم رباني
مولانا احمد نورانی

اسم الله الرحمن الرحيم



قم - خیابان ارم - پاساژ قدس - طبقه همکف - پلاک ۸۴ تلفن: ۷۷۳۹۵۲۵

معراج السعادة

مؤلف / مولا احمد نراقی رحمۃ اللہ علیہ

ناشر / انتشارات قائم آل محمد رحمۃ اللہ علیہ

نوبت چاپ / اول - ۱۳۸۴

چاپخانه / نوید اسلام

شمارگان / ۵۰۰۰ نسخه

قیمت / ۳۳۰۰ تومان

شابک: ۹۶۴-۹۶۱۶۵-۰-۰-۰ ISBN: 964 - 96165 - 0 - 0

الحمد لله رب العالمین

معراج سعادت جاودانی، و مفتاح ابواب فیوضات دو جهانی، ستایش و سپاس خداوندی است یکتا «جلّ شأنه» و نیایش افزون از قیاس یگانه‌ای است بی‌همتا «بهر برهانه» که از لمعات اشراقات فیض کاملش مصابیح قلوب اهل علم و عرفان در مشکوٰۃ مهج روشن، و از لوازم تجلیات لطف شاملش، سراج المنیر علوم بر زوایای ضمائر اولی البصائر پرتو افکن، اجرام علوی از علو شوق جمالش جملگی احرام بندگی بسته، گرد حرم کعبه جلالش به حرکات شوقی سرگشته طوف، و اجزای عالم سفلی از علو مرتبه ادراک کنه ذات لایزالش همگی در مقام بی‌خبری ثابت و حیران، از صفیر عنایتش همای نفس نفیس لاهوتی گرفتار قید تعلقات ناسوتی، به جناحین علم و عمل در فضای روح افزای عوالم حقایق، پرواز نموده خود را به اوج سعادت می‌رسانند.

نردبان سعادت جاودانی، و کلید فیوضات دو جهانی، ستایش و شکرگزاری خداوند یکتا است، که شأن و مقامش بسیار با جلالت و عظمتش از قیاس و اندازه افزون است. خداوندی یگانه و بی‌همتا، که برهان وجودش آشکار و روشن است. خداوندی که از تابش نور روشنائی فیض کاملش، چراغ دلهای اهل علم و عرفان، در قندیل دلها روشن، و از شعاع تجلیات لطف فراگیرش، مشعل نوربخش علوم، بر گوشه دلهای صاحبان بصیرت پرتو افکن است. اجرام آسمانی از برتری شوق جمالش، همگی احرام بندگی بسته، و در گرد کعبه جلالش با حرکات مشتاقانه، سرگرم طواف، و چون درک کنه و حقیقت ذات لایزالش ممکن نیست، اجزاء و ذرات جهان همگی در مقام بی‌خبری ثابت و حیران، و در حال خوف و وحشت می‌باشند. و از فیض هدایتش به تعلیم معلّم عقل، و تأدیب مؤدّب شرع، معشر بشر، و فرقه ناس خود را از ادناس و ارجاس عالم طبیعت مصفا نموده، به سیر سر منزل حقیقت می‌کشاند. خرد بخردان را در ساحت قدس تجردش مجال تردّد محال، و بال همای وهم و خیال را

طیران در فضای بی انتضای بقیایش و بال، «فَسُبْحَانَهُ مَا أَعْظَمَ شَأْنَهُ وَ أَجَلُ إِحْسَانِهِ»^(۱).

و افضل صلوات، و اکمل تحیات به جناب مقدس پیغمبری سزاوار است که دوحه لوی حمد به اسم سامیش مرشح، و توقیع وقیع هدایت و تکمیل به نام نامیش موشح، غالیه سای نکبت مکارم اخلاش کریمه «وَ إِنَّكَ لَعَلَى خُلُقٍ عَظِيمٍ»^(۲)، و عنوان صحیفه اشفاق بیضاء اشراقش «بِالْمُؤْمِنِينَ رُؤُوفٌ رَحِيمٌ»^(۳). محمود به محامد اخلاق و شیم، و ممدوح به محاسن الطاف و کرم، معلّم معالم فروع و اصول، صاحب فرمان «وَمَا مُحَمَّدٌ إِلَّا رَسُولٌ»^(۴).

محمّد شافع امت، قسیم دوزخ و جنت حبیب حضرت عزّت، شه دین خسرو دنیا جهان را ناصر و یاور، جهانبان را پیام آور کزین پیک جهان داور، رسول خالق یکتا پس از سپاس ایزد داور، و پس از درود جناب پیغمبر ﷺ، واسطه منقبت در خور سروری است که رفعت کاخ کرامتش از آن بالاتر که گمند رسای مدارک اوهام بشر به شرف آن تواند رسید، و عظم رتبه ولایش از آن والاتر که طوطی شکسته بال مقال، در ادای شمه‌ای از شیم ولایش از قفس نفس، نفس تواند از آهنگ عنایت او، روح بلند مقامی که وجودش از عالم بالا سرچشمه گرفته و گرفتار قید و بند تعلقات عالم خاک گشته، باد و بال علم و عمل، در فضای روح افزای جهانهای حقایق، پرواز می‌کند و خویش را به اوج سعادت می‌رساند. و از فیض هدایتش، انسان‌ها در پرتو تعلیم آموزگار عقل، و پرورش مرتبی شرعی، خود را از آلودگی‌های عالم طبیعت، مصفا و پاک کرده، و به سیر سر منزل حقیقت می‌پردازند. عقل عاقلان را در ساحت قدس عظمت و تجرّدش، جولان و تردّد محال، و پر و بال همای وهم و خیال را پرواز در فضای بی منت‌های بقای وی، وزر و وبال است. پس منزّه است خدایی که چه شأن عظیم و احسان جلیلی دارد.

با فضیلت‌ترین دروها و کامل‌ترین تحیت‌ها شایسته آن پیغمبری است که: صفحه پرچم حمد به اسم بارفتش مزین گردیده، و نوشته با موقعیت هدایت و تکمیل بشریت به نام نامیش توشیح شده است.

مبلغ و نشر دهنده بوی عطر جان افزای مکارم اخلاش، آیه مبارکه «وَ إِنَّكَ لَعَلَى خُلُقٍ عَظِيمٍ»^(۵) است، و عنوان کننده صحیفه مهربانیش، گفتار خداوند است که فرمود: «بِالْمُؤْمِنِينَ

۱- پس منزّه است او، و چه بزرگ است شأن و مرتبه او و چه جلیل است احسان و نیکویش.

۲- همانا تو صاحب خلق و خوی بزرگی هستی. «۴ / ۶۸».

۳- رسول خدا به مؤمنین با رافت و مهربان است. «۹ / ۱۲۸».

۴- و محمد ﷺ نیست مگر رسول خدا «۳ / ۱۴۴».

رُئُوفٌ رَحِيمٌ»^(۱). اخلاق کریمانه‌اش به حدّی کامل است که محامد اخلاق، و شیمه‌های نیکو، او را می‌ستایند. و محاسن الطاف و کرم، به مدح او مشغول می‌باشند. او برجسته‌ترین آموزگار عالمان فروع و اصول، و صاحب فرمان «وَمَا مُحَمَّدٌ إِلَّا رَسُولٌ» است.

پس از سپاس ایزد داور، و بعد از درود حضرت پیغمبر ﷺ، مدح و منقبت، شایسته آن سروری است که بلندای کاخ کرامت و عظمتش، بالاتر از آن است که کمند بلند ادراکات و عقول بشر به آن برسند. و عظمت ولایتش، والاتر از آن است که طوطی پر شکسته‌گفتار، در ادای مختصری از مقامات ولایتش از قفس روح، بتواند نفس بکشد. صیت مکارم اخلاقش عرصه آفاق را چنان گرفته که منکر حسود را از سستی نطق، طاقت ناطقه از عرض حال لال گشته، و آوازه فضائل ملکانش در بسیط زمین چنان انتشار یافته که عدوی عنود را از کثرت خجلت جبین، غرق عرق انفعال مانده، و سفینه النجاتی که به ناخدائی همت بلندش کشتی به چهار موجه افتاده خلافت از دریای فتنه‌زای خلاف اندیشی مخالفان، سالما به کنار آمده، عین الحیاتی که تشنه کامان رحیق شوق را در ظلمات ضلالت، خضر هدایت بدان راه نموده، جامع سعادات سنّیه، و حاوی کمالات علیّه. شیر خدا شاه ولایت، علیّ علیه السلام مظهر اسرار خفّی و جلیّ درود نامعدود و تحیات غیر محدود بر تتمه ائمه دین و اولاد طاهرین او، که همگی کیمیای سعادتند و کلید گنج فیض سرمد، لمعات خورشید امامتند و مصباح مشکوّه کرامت، درر غرر خلافتند و درّه غرّه شرافت، مطالع لوامع قدسند و زینت المجالس مجامع انس، سراج المنیر نهج المسترشدين اند و مفتاح الفلاح ابواب الجنان حق الیقین، فصلوات اللّه علیهم اجمعین الی یوم الدین.

أَمَّا بَعْدُ چنین گوید گرفتار دام آمال و امانی، و طالب سعادت جاودانی، احمد بن محمد مهدی بن ابی‌ذر «لَقْنَهُمُ اللَّهُ حَجَّتَهُمْ يَوْمَ الْعَرْضِ الْاَكْبَرِ»^(۲) که بر رأی ارباب لباب واضح است که خالق عالم، و موجد بنی آدم «جَلَّتْ عَظَمَتُهُ» به مقتضای حکمت کامله و قدرت شامله، قامت قابلیّت نوع انسان را در مقام «وَوَفَّلْنَاهُمْ عَلَىٰ كَثِيرٍ مِّمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا»^(۳) به تشریف «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ»^(۴) سرافراز، و این صدف پاک را به ودیعت نهادن گوهر ادراک و نفس ناطقه، شرف امتیاز ارزانی داشت. سلطان والا شأن عقل را در مملکت بدن بر سریر مخروطی

دل متمکن ساخت، و معاشر مشاعر و عساكر حواس را سر بر خط فرمان وی نهاد، تا اینکه طاغیان قوای سرکش طبیعی را تحت اطاعت انقیاد آورده، به کسب اخلاق حمیده و صفات پسندیده طنطنه کوس کرامت به گوش سگان صوامع جبروت رسانده، در مضممار سعادت، گوی سبقت از ملائکه ملکوت رباید.

نه فلک راست مسلم، نه ملک را حاصل آنچه در سر سویدای بنی آدم از اوست و به حکم محکم عقل، و نص مستفیض نقل، بر هریک از افراد سالکین منهج سداد، و طالبین طریق رشاد لازم است که اولاً از آئینه گیتی نمای دل، زنگ رذائل، زایل، و بعد از آن، ادهم همت به صورت تحلل به حلل فضائل مایل سازد. چه بدون تخلیه، تخلیه میسر نشود، و انعکاس نقش خبیث، صورت نبندد.

شستشویی کن و آنگه به خرابات خرام تا نگردد ز تو این دیر خراب آلوده و خود ظاهر و روشن و ثابت و مبین است که دفع صفات ناپسند، و کسب ملکات ارجمند، موقوف بر شناختن آنها، و اصول و اسباب هریک، و کیفیت و معالجات مقرر است. و متکفل بیان تفصیل این مطالب، علمی است که تعبیر از آن به «علم اخلاق»، و «حکمت خلقیه» می نمایند. و بهترین نسخ کتب از حیثیت نظم و ترتیب و حسن ترکیب و تعبیر لایق، تحقیق رائق، و اشتمال بر آیات و اخبار وارده در شریعت، و احتوای بر مقالات ارباب عرفان و اساطین حکمت، که در این فن شریف، تألیف و تصنیف شده کتاب موسوم به «جامع السعادات» است، که از تألیفات عالم عامل، و عارف اصل، و حکیم کامل و فقیه فاضل، والد ماجد بزرگوار این ذره بی مقدار است.

چون کتاب مذکور که از جمله کتب مصنفه در این فن، مقبول، و منظور نظر شده، به زبان عربی تعبیر، و ارباب ایمان و اصحاب ایقان فارسی زبانان را از مواید فواید آن بهره حاصل نبود، لهذا از مصدر عزت و اجلال، و محفل حشمت و اقبال، اشاره لازم البشاره به این دعاگوی دولت مصون از زوال، صادر گردید که خلاصه مطالب و جل مقاصد آن را به سیاق فارسی به عبارتی واضح بیان نماید که عموم ناس از فراید فواید آن نفع توانند یافت.

بنابر این با وجود عدم بضاعت، و قلت استطاعت، و تفرق بال، و تکسر احوال، بعد از

استعانت از حضرت ربّ الارباب و استمداد از ارواح مقدسه ائمه اطیاب علیهم السلام، شروع در تألیف این کتاب شد. امید که مقبول طبع کافه انام گردیده و همگان از فواید آن بهره یاب گردد. و آن را مسمی نمود به «معراج السعاده» و آن مشتمل است بر پنج باب:

باب اوّل: مقدمات نافع

باب دوّم: قوای نفس انسانی و اخلاق ذمیمه.

باب سوّم: محافظت اخلاق حمیده از انحراف و...

باب چهارم: فضائل اخلاق حسنه و کیفیت اکتساب آنها

باب پنجم: اسرار و آداب عبادات.



باب اول

در بیان بعضی مقدمات نافعه، از بیان حالات نفس و منفعت فضایل اخلاق و مضرت رذایل آن

فصل اول شناختن نفس مقدمه شناختن خدا

بدان که کلید سعادت دو جهانی، شناختن نفس خویشتن است، زیرا که شناختن آدمی خویش را اعانت بر شناختن آفریدگار خود می‌نماید. چنانکه حق تعالی می‌فرماید: «سَنُرِيهِمْ آيَاتِنَا فِي الْآفَاقِ وَ فِي أَنْفُسِهِمْ حَتَّىٰ يَتَبَيَّنَ لَهُمْ أَنَّهُ الْحَقُّ»^(۱) یعنی «زود باشد که بنمائیم به ایشان آثار قدرت کامله خود را در عالم و در نفسهای ایشان، تا معلوم شود ایشان را که اوست پروردگار حق ثابت». و از حضرت رسول ﷺ منقول است که «مَنْ عَرَفَ نَفْسَهُ فَقَدْ عَرَفَ رَبَّهُ» یعنی «هر که بشناسد نفس خود را، پس به تحقیق که بشناسد پروردگار خود را». و خود این ظاهر و روشن است که هر که خود را نتواند بشناسد به شناخت دیگری چون تواند رسید؟ زیرا که هیچ چیز به تو نزدیکتر از تو نیست، چون خود را شناسی دیگری را چون شناسی؟ تو که در علم خود زبون باشی عارف کردگار چون باشی؟

تأثیر شناختن نفس در تهذیب اخلاق

و نیز شناختن خود، موجب شوق به تحصیل کمالات و تهذیب اخلاق و باعث سعی در دفع رذائل می‌گردد، زیرا که آدمی بعد از آنکه حقیقت خود را شناخت و دانست که حقیقت او جوهری است از عالم ملکوت، که به این عالم جسمانی آمده باشد، که به این فکر افتد که چنین جوهری شریف را عبث و بی‌فایده به این عالم نفرستاده‌اند، و این گوهر قیمتی را به بازیچه در صندوقچه بدن نهاده‌اند، و بدین سبب در صدد تحصیل فوائد تعلق نفس به بدن بر می‌آید، و خود را به تدریج به سر منزل شریفی که باید می‌رساند.

و گاه است که گوئی من خود را شناخته‌ام، و به حقیقت خود رسیده‌ام. زنهار، زنهار، که این نیست مگر از بی‌خبری و بی‌خردی. عزیز من چنین شناختن را کلید سعادت نشاید، و این

ایستاده و یک به یک اصحاب به خدمت آن جناب می‌رسند و می‌گویند:

«الْسَّلَامُ عَلَیْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ» و اذن جهاد می‌گیرند و حضرت، ایشان را اذن می‌دهد و هر یک تنها خود را به میدان می‌اندازد و می‌زنند و می‌کشند تا در راه او شهید می‌گردند و چون از حیات خود مأیوس می‌شوند به آواز بلند فریاد می‌کنند که «أَدْرِکْنِیْ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ» و آن شہسوار میدان شجاعت، و یکہ تاز معرکہ شہادت بہ سرعت بر سر او می‌تازد و او را از میدان می‌ریاید و بہ سایر شہدا ملحق می‌سازد.

و امثال این وقایع را بہ خاطر آور و حزن و اندوہ خود را تازہ می‌ساز و آرزو می‌کن کہ کاش در این زمین با ایشان می‌بودی و بگو: «يَا لَيْتَنِي كُنْتُ مَعَهُمْ فَأَفُوزُ فَوْزاً عَظِيماً». یعنی ای کاش من با ایشان بودمی تا بہ رستگاری عظیم فایز گشتمی. پس سایر آداب را مراعات کن.

و همچنین در زیارت ہر یک از ائمہ علیہم السلام جلالت قدر ہر یک را متذکر شو و حقوق او را یاد آور و آنچه مناسب مقام است بہ خاطر گذران تازیارت تو قبول، و بہ مرتبہ زائرین فایز گردی.

رَزَقْنَا اللّٰهَ وَاِيَّاكُمْ شَفَاعَتَهُمْ يَوْمَ الْوُرُودِ بِحَقِّ الْمَلِكِ الْوَدُودِ.

فهرست

باب اول: بیان بعضی از مقدمات نافع، از بیان حالات نفس	۸
فصل اول شناختن نفس مقدمه شناختن خدا	۸
تأثیر شناختن نفس در تهذیب اخلاق	۸
فصل دوم: ترکیب انسان از جسم و نفس	۹
فصل سوم: راه شناختن نفس	۱۱
فصل چهارم حقیقت و ماهیت آدمی	۱۲
فصل پنجم سیر به عالم بالا یا جنبه روحانی	۱۳
فصل ششم: لذت و آلم جسم و روح	۱۴
فصل هفتم مفاسد بیماری نفس و فوائد صحت آن	۱۵
علم بدون تزکیه، علم نیست	۱۷
توجه به صحت جسم، و غفلت از صحت و روح	۱۹
فصل هشتم: حصول ملکات نفسانی به تکرار اعمال	۱۹
فصل نهم: فایده علم اخلاق و برتری آن بر سایر علوم	۲۰
فصل دهم: تهذیب اخلاق و ثمره آن	۲۲
باب دوم در سبب انحراف اخلاق از جاده پسندیده و حصول اخلاق ذمیمه	۲۳
فصل اول: قوای چهارگانه و تبعیت سایر قوا از آنها	۲۳
فصل دوم: لذت و آلم قوای چهارگانه	۲۶
منحصر نبودن لذات در لذات جسم	۲۷
سعی در استیلای قوه عاقله بر سایر قوا	۲۹
فصل سوم: قوای چهارگانه سر منشأ نیکها و بدیها	۳۰
فصل چهارم: در بیان اینکه نیروی عقل ادراک کلیات می کند	۳۱
و قوه وهم ادراک جزئیات	۳۱
فصل پنجم: کارفرمائی قوای چهارگانه	۳۲
فصل ششم: اجناس صفات نکوهیده	۳۴
فصل هفتم: تقابل صفات فاضله و اوصاف نکوهیده	۳۶
فصل هشتم: مشتبیه شدن صفات رذیله به صفات حسنه	۳۷
باب سیم در بیان محافظت اخلاق حمیده	۴۱
فصل اول: محافظت از اخلاق حمیده	۴۱
شباهت علم اخلاق به علم طب	۴۳
فصل دوم مقدمات تزکیه نفس	۴۴

فصل سوم: تشخیص امراض نفسانی.....	۴۷
اسباب امراض نفسانی.....	۴۹
راه معالجه امراض نفسانی.....	۴۹
باب چهارم اخلاق و شرافت فضایل اخلاقی.....	۵۱
و شرح مفاسد اخلاقی و بیان معالجه آنها.....	۵۱
مقام اول: ملکه عدالت.....	۵۲
اقسام عدالت و درجات عدول.....	۵۴
فصل سوم: عدالت سر منشأ کمال و سعادت.....	۵۸
فصل چهارم: اتصاف مصلح به عدالت.....	۶۰
مقام دوم در بیان معالجه اخلاق ذمیمه‌ای که.....	۶۲
مطلب اول: در بیان دو جنس ردیله و ضد آنها.....	۶۲
فصل پنجم: حکمت علم به حقایق اشیاست.....	۶۳
شرافت و فضیلت علم.....	۶۴
آداب و شروط تعلیم و تعلّم.....	۶۷
فایده دوم: درجات علم از نظر شرافت و وجوب تحصیل.....	۶۹
در تحصیل علم الهی.....	۷۰
احتراز از معاصی سبب اعتقاد جازم.....	۷۲
تلقین ترجمه عقائد به اطفال.....	۷۴
وجوب عینی علم اخلاق.....	۷۶
علم مقدمه عمل.....	۷۷
مطلب دوم: ردائلی که از جربرزه و جهل ناشی می‌شوند.....	۷۸
یقین و اقل مراتب آن.....	۷۹
علامات صاحب یقین.....	۸۰
مراتب یقین.....	۸۳
شرک و اقسام آن.....	۸۴
توحید و اقسام آن.....	۸۵
علامت ترقی در مراتب توحید.....	۸۶
آشنائی با اسرار ملک و ملکوت.....	۸۹
صفت چهارم: خواطر نفسانی و وسوس شیطانی.....	۹۰
افکاری که دل را مشغول می‌کند.....	۹۱
اقسام الهام و وسوسه و علامات آنها.....	۹۲
مضرات وسوس شیطانی و خواطر نفسانی.....	۹۵

معالجه امراض نفسانى	٩٦
غفلت از خدا سبب وسوسه شيطان	٩٨
ذكر قلبى مانع وساوس و خواطر	١٠٠
چهار مرتبه ذكر	١٠٠
كيفيت سد ابواب خواطر، و رفع وساوس	١٠١
خواطر و افكار نيكو و ستوده	١٠٣
تدبير در آفرينش و صنع پروردگار	١٠٥
در عجايب خلقت پشه و زنبور	١٠٧
قدرت نمائى حق در خلقت انسان	١٠٩
تدبير در خلقت استخوانها و رگهاى بدن	١١٠
اسرار و عجايب خلقت چشم	١١٣
در عجايب خلقت گوش	١١٣
حكمتهاى نهفته در صورت انسان	١١٣
عجايب دستگاه گوارش	١١٤
عجايب خلقت دل انسان	١١٦
نگاهى به چگونگى خلقت دستها و انگشتان	١١٦
تركيب خلقت و آفرينش پا	١١٧
تمهيدات الهى جهت ورود انسان به دنيا	١١٧
نقش قوه خيال و واهمه و عاقله	١١٨
آيات آفاقى، مشاهده قدرت پروردگار	١١٩
عجايب كوهها	١٢١
انواع گياهان و فوائد آنها	١٢١
درختان و شكوفايى آنها	١٢١
اصناف حيوانات	١٢٠
عجايب درياها	١٢١
تفكر در خلقت فضا و كرات آسمانى	١٢١
عظمت آسمانها	١٢٢
تفكر در اعمال و رفتار خود	١٢٣
صفت مكر و حيله	١٢٧
مقام سيم در بيان صفات رذيله و اخلاق جميله	١٢٨
تهور و جبن	١٢٨
ترس و اقسام آن	١٢٩

انواع ترس‌های ناپسند	۱۳۰
علل ترس از مرگ	۱۳۱
اطمینان قلب و طریقه تحصیل آن	۱۳۷
ایمنی از مکر خدا	۱۳۷
فصل اول: سبب ایمنی از مکر خدا	۱۳۸
فصل دوم: خوف از خدا و انواع آن	۱۳۹
فصل سوم: مکروهاتی که سر منشأ خوف و ترس است	۱۴۱
ترس از سوء عاقبت	۱۴۲
فصل چهارم: خوف از خدا عالی‌ترین درجه خوف	۱۴۳
فصل پنجم: کیفیت تحصیل صفت خوف از خدا	۱۴۷
علت ترسیدن از سوء خاتمه	۱۵۰
یأس و ناامیدی از رحمت خدا	۱۵۶
رجاء و امیدواری به خدا	۱۵۷
آیات و اخبار در فضیلت رجاء	۱۵۸
اموری که باعث نجات مؤمنان و امید گنهکاران است	۱۶۱
رجاء و امیدواری بدون طاعت	۱۶۴
خوف اصلح است یا رجاء؟	۱۶۴
طریقه تحصیل رجاء	۱۶۸
صفت چهارم: ضعف نفس و سستی آن	۱۶۹
قوت نفس و طریقه تحصیل آن	۱۶۹
دون همتی و مذمت آن	۱۷۱
بی‌غیرتی و بی‌حمیتی	۱۷۲
غیرت در دین و ناموس	۱۷۲
غیرت در اولاد و تربیت او	۱۷۵
غیرت در مال	۱۷۸
عجله و شتابزدگی و مذمت آن	۱۷۸
وقار و طمأنینه	۱۸۱
سوء ظن به خدا و خلق	۱۸۲
راه معالجه بدگمانی به خدا و خلق	۱۸۵
حسن ظن به خدا و خلق	۱۸۵
غضب و اسباب آن	۱۸۶
غضب مفرط و مفاصد آن	۱۸۷

۱۸۸		معالجه غضب
۱۹۱		حلم و کظم غیظ
۱۹۳		در صدد انتقام بودن و مذمت آن
۱۹۴		عفو و بخشش و فضیلت آن
۱۹۵		صفت یازدهم: غلظت و درشتی در گفتار و کردار
۱۹۷		شرافت مدارا با مردم
۱۹۷		صفت دوازدهم: کج خلقی
۱۹۸		معالجه کج خلقی
۲۰۰		صفت سیزدهم: عداوت و دشمنی
۲۰۱		معالجه عداوت و دشمنی
۲۰۲		مذمت ضرب و شتم، فحش، لعن و طعن
۲۰۶		نفرین به مسلمان
۲۰۷		صفت چهاردهم: عُجب و مذمت آن
۲۱۰		معالجه بیماری عجب
۲۱۴		علاج عجب به علم و دانش
۲۱۷		علاج عجب به عبادت و طاعت
۲۱۸		علاج عجب به ورع و تقوی و نحو اینها
۲۱۹		علاج عجب به حسب و نسب
۲۲۱		علاج عجب به جمال
۲۲۲		علاج عجب به مال
۲۲۳		علاج عجب به قدرت
۲۲۳		علاج عجب به جاه و منصب
۲۲۴		علاج عجب به عقل و زیرکی
۲۲۵		شرافت شکسته نفسی
۲۲۶		صفت پانزدهم: کبر و تفاوت آن با عجب
۲۲۷		تجسم متکبرین در قیامت
۲۲۸		اقسام تکبر و درجات متکبرین
۲۳۰		راه معالجه تکبر
۲۳۲		نشانه های تکبر و تواضع
۲۳۷		تواضع و فروتنی
۲۳۹		فایده: مذموم بودن ذلت و خواری
۲۴۰		صفت شانزدهم: تفاخر و مذمت آن

۲۴۰	صفت هفدهم: یغی و سرکشی
۲۴۱	صفت هیجدهم: علاج خودستایی و تزکیه نفس
۲۴۱	صفت نوزدهم: عصبیت
۲۴۲	صفت بیستم: کتمان حق
۲۴۳	صفت انصاف
۲۴۳	صفت بیست و یکم: تساوت و سنگدلی و علاج آن
۲۴۴	مقام چهارم بیان آنچه متعلق است به قوه شهویه
۲۴۴	فصل اول: مذمت شره و شکم‌پرستی
۲۴۷	ثمرات گرسنگی
۲۴۸	مفاسد پیروی از شهوت
۲۵۲	مذمت خمود و فواید نکاح
۲۵۴	در بیان صفت نیکوی عفت
۲۵۵	مطلب دوم در محبت دنیای دنیته
۲۵۵	حقیقت دنیا فی نفسه
۲۵۶	حقیقت دنیا در حق بندگان
۲۵۹	تقسیم دنیا به مذموم و غیر مذموم
۲۶۰	مذمت دنیا و بی‌ارزشی و بی‌اعتباری آن
۲۷۱	چیزهایی که دنیا را به آنها تشبیه کرده‌اند
۲۷۶	دنیای ممدوح و مذموم
۲۷۸	اقسام آنچه در دنیا هست
۲۷۸	فقر و غنا و حالت‌های آنها
۲۷۹	مذمت مال و مالداری
۲۸۱	مدح مال و ثروت
۲۸۲	مفاسد مال و ثروت
۲۸۵	طرق‌رهایی از مفاسد مال
۲۸۶	زهد و فضیلت آن
۲۸۷	زهد از دیدگاه آیات و روایات
۲۹۴	درجات و اقسام زهد
۳۰۰	فایده: زاهد حقیقی و علائم او
۳۰۰	صفت دوم: مفاسد غنا و بی‌نیازی
۳۰۱	فقر و اقسام آن
۳۰۳	فضیلت و شرافت فقر

۳۰۷	فضیلت فقیر صابر و راضی، بر غنی شاکر و سخی
۳۰۸	فقیر حریص و غنی حریص
۳۰۸	فرق بین فقیر و گدا و مذمت تکدی
۳۱۳	اقسام احتیاج ها
۳۱۴	صفت سوم: حرص و مفاسد آن
۳۱۵	ملکه قناعت
۳۱۶	راه معالجه صفت حرص، و تحصیل قناعت
۳۲۰	صفت چهارم: طمع و مفاسد آن
۳۲۱	شرافت استغنا و قطع طمع
۳۲۲	صفت پنجم: بخل و مذمت آن
۳۲۴	فضیلت سخاوت
۳۲۵	ایثار، بالاترین مرتبه سخاوت
۳۲۶	علاج مرض بخل
۳۲۹	میانہ روی در مصرف مال
۳۳۰	نکات و دقائق باطنی سخاوت
۳۳۲	اسرار وجوب زکاة
۳۳۳	دوم: آداب انفاق
۳۳۵	علاج منت گذاردن و ایذای فقیر
۳۳۹	فایده: آداب انفاق شونده
۳۴۱	نفقه اهل و عیال
۳۴۲	صدقات مستحبہ
۳۴۵	آداب مهمانی کردن
۳۴۶	آداب میهمان
۳۴۷	حق معلوم و حق حصاء
۳۴۸	فضیلت و ثواب قرض دادن
۳۴۸	مهلت دادن به قرض دار یا حلال کردن او
۳۴۹	خوردن مال حرام
۳۵۱	اموال حلال و حرام و مشتبه و درجات آنها
۳۵۳	فضیلت اجتناب از مال حرام
۳۵۵	مداخل مال حلال
۳۵۶	اصناف دزدان و گدایان
۳۵۷	خیانت و قدر در مال

۳۵۸	فرو رفتن در باطل
۳۵۸	تکلم به سخنان بیهوده
۳۶۱	فوائد خاموشی و ترک سخنان بیهوده
۳۶۲	مقام پنجم صفات متعلق به سه قوه عاقله، غضبیه و شهویه
۳۶۲	صفت حسد و مفاسد آن
۳۶۶	فایده: مراتب حسد
۳۶۶	موجبات حسد
۳۶۹	فایده: حسد ورزی هر صنفی به صنف خود
۳۶۹	محبت دنیا منشأ همه اسباب حسد
۳۷۱	معالجه مرض حسد با علم و عمل
۳۷۴	فایده: حسد مذموم و حرام
۳۷۵	مدح و فضیلت نصیحت و خیر خواهی
۳۷۷	اهانت و تحقیر نمودن بندگان خدا
۳۷۷	تعظیم و احترام به بندگان خدا
۳۷۸	احترام به سادات
۳۷۹	صفت سیم: ظلم و مفاسد آن
۳۸۳	پاسخ ظالم در روز قیامت
۳۸۵	اعانت به ظالم و راضی به فعل او شدن
۳۸۶	عدالت و فضیلت آن
۳۸۹	فوائد دنیوی عدالت
۳۹۲	آثار و لوازم عدالت
۳۹۹	معالجه ستمکاری و تحصیل ملکه عدالت
۴۰۱	ترک اعانت مسلمین و عدم اهتمام در امور ایشان
۴۰۲	اهتمام در قضای حوائج مسلمین
۴۰۶	کوتاهی و مسامحه در امر به معروف و نهی از منکر
۴۰۸	اهتمام در امر به معروف و نهی از منکر
۴۱۰	وجوب امر به معروف و نهی از منکر و شرایط آن
۴۱۴	شرایط امر و نهی شونده
۴۱۴	مراتب امر به معروف و نهی از منکر
۴۱۵	مختصری از محرمات شایع در میان مردم
۴۱۷	مذمت قهر کردن و دوری از برادران دینی
۴۱۸	فضیلت و ثواب آشتی و الفت

۴۲۰	صفت هفتم: قطع رحم و اسباب آن
۴۲۱	وجوب و فضیلت صله رحم و فواید آن
۴۲۳	مراد از رحمی که صله آن واجب و قطع آن حرام است
۴۲۳	صفت هشتم: حقوق والدین و مذمت آن
۴۲۵	فضیلت نیکی به والدین
۴۲۹	حقوق همسایگان
۴۳۰	صفت نهم: مذمت عیبجوئی کردن
۴۳۱	فضیلت عیب پوشی کردن
۴۳۳	مذمت فاش کردن راز مردم
۴۳۵	سخن چینی و نقامی و مقاسد آن
۴۳۷	اعتنا نکردن به سخن تمام
۴۳۸	صفت دوازدهم: افساد میان مردم و عقوبت آن
۴۳۸	اصلاح میان مردم و فضل و ثواب آن
۴۳۹	صفت سیزدهم: شماتت کردن
۴۴۰	صفت چهاردهم: مرء و جدال و مخاصمه
۴۴۲	ممدوح بودن خصومت در حق شرعی
۴۴۳	صفت پانزدهم: تمسخر و استهزاء کردن
۴۴۵	صفت شانزدهم: مزاح، شوخی و بذله گوئی
۴۴۶	صفت هفدهم: معنی و حقیقت غیبت
۴۴۷	غیبت با غیر زبان
۴۴۸	شنونده غیبت نیز حکم غیبت کننده را دارد
۴۵۲	فصل سوم: معالجه اجمالی غیبت
۴۵۳	معالجه تفصیلی غیبت
۴۵۸	فصل پنجم: شرافت ستایش و مدح مسلمین
۴۵۸	صفت هیجدهم: دروغ گفتن
۴۶۰	مواضعی که دروغ گفتن در آنها جایز است
۴۶۱	توریه کردن
۴۶۱	دروغهای حرامی که مردم در آنها سهل انگارند
۴۶۲	اجتناب از کذب، و طریقه خلاصی از آن
۴۶۳	دروغ گفتن مایه رسوائی
۴۶۳	صدق و راستگوئی
۴۶۴	دروغ در اعمال و رفتار

۴۶۵	در اخلاق و مقامات دین
۴۶۶	مفاسد و آفات زبان
۴۶۸	خاموشی ضد آفات و مفاسد زبان
۴۷۱	صفت نوزدهم: حب جاه، شهرت، و ریاست
۴۷۱	آیات و روایات در مذمت حب جاه طلبی
۴۷۳	ریاست بی ضرر و ممدوح
۴۷۵	علاج علمی و عملی مرض حب جاه و ریاست
۴۸۲	معالجه علمی حب جاه
۴۸۲	شرافت گمنامی و بی اعتباری در نظر مردم
۴۸۷	صفت بیستم: دوست داشتن مدح و ثناء، و کراهت بدنامی
۴۸۸	اسباب مدح و خوش آمدگویی
۴۸۹	معالجه حب مدح و ثناء، و کراهت بدنامی
۴۹۰	معالجه کراهت از مذمت
۴۹۱	صفت بیست و یکم: ریا و خودنمایی
۴۹۴	انواع و اقسام ریا
۴۹۵	مفاسد اقسام ریا و احکام آنها
۵۰۲	علاج ریا
۵۰۴	معالجه علمی مرض ریا
۵۰۶	اخلاص
۵۰۸	اخلاص از مقامات مقربین است
۵۱۱	صفت بیست و دوم: نفاق و دورویی، و مذمت آن
۵۱۱	موارد استثنا شده از نفاق
۵۱۲	صفت بیست و سوم: غرور
۵۱۳	طوایف اهل غرور، و اسباب غرور، و معالجه آنها
۵۱۳	کفار و صاحبان مذاهب فاسد
۵۱۴	اهل فسق و معاصی
۵۱۹	غرور اهل علم
۵۲۴	غرور و اعظان
۵۲۵	مغرورین از اهل عبادت
۵۲۷	اهل تصوف، و درویشان
۵۳۱	سلاطین و حکام و صاحبان قدرت
۵۳۲	اغنيا و مالداران

صفت بیست و چهارم: طول امل و اسباب آن	۵۳۴
قصر امل و فواید آن	۵۳۶
طوایف مختلف مردم در رابطه با طول و قصر امل	۵۳۷
معالجه طول امل	۵۳۹
اصرار بر معاصی و عدم پشیمانی از آن	۵۴۵
توبه و پشیمانی و اسباب آن	۵۴۷
فضیلت توبه	۵۴۸
توبه مقبول و شرایط آن	۵۵۳
اقسام توبه و بیان آنها	۵۵۷
کمال توبه از نظر امیرالمؤمنین علی علیه السلام	۵۵۹
اجتناب از کبایر، کفاره گناهان صغیره	۵۶۱
اسبایی که گناه صغیره را کبیره می کند	۵۶۱
اقسام توبه کنندگان	۵۶۲
فرااموشی اعمال خود، و غفلت از محاسبه	۵۶۴
محاسبه و مراقبه	۵۶۴
عقل، تاجر راه آخرت	۵۶۶
کیفیت محاسبه نفس	۵۷۰
مطالعه احوال صالحان	۵۷۳
کراهت و تنفر طبع	۵۷۶
اسباب محبت و اقسام آن	۵۷۷
هیچ دلی از محبت خالی نیست	۵۸۳
محبت خدا بالاترین محبت ها	۵۸۳
در فساد قول کسی که محبت خدا را	۵۸۸
فقط مواظبت بر طاعات می داند	۵۸۸
محبت خدا کامل ترین لذتهاست	۵۹۶
راههای لقاء و مشاهده وصال حضرت حق	۶۰۳
طریق تحصیل محبت و معرفت خدا	۶۰۵
علائم و آثار محبت خدا	۶۰۷
حقیقت شوق به لقاء خدا	۶۱۵
حقیقت انس به خدا	۶۱۸
خلوت و عزلت و فواید آن	۶۲۰
فواید مخالطه با مردم	۶۲۱

۶۲۵	پیرامون حبّ فی الله و بغض فی الله
۶۲۷	صفت بیست و هشتم: اعتراض بر اراده و تقدیرات خدا
۶۲۹	رضا بر قضا و مقدرات الهی
۶۳۲	رضا از ثمرات محبت است
۶۳۳	عدم منافات رضا با دعا
۶۳۴	طریق تحصیل رضا
۶۳۶	صفت بیست و نهم: حزن و اندوه بر امور دنیوی و علاج آن
۶۳۹	صفت سیام: مذمت بی‌اعتمادی به خدا و اعتماد به غیر خدا
۶۴۰	توکل بر خدا و فضیلت آن
۶۴۳	تقسیم امور بندگان
۶۴۵	درجات توکل
۶۴۷	راه تحصیل صفت توکل و علامت حصول آن
۶۴۹	صفت سی و یکم: کفران نعمت و شکر نعمت
۶۵۱	فضیلت شکر نعمت
۶۵۳	شناخت اسباب کسب رضای خدا
۶۵۴	شکر نعمت و کفران به اموری که در اختیار انسان است
۶۵۶	شناخت نعمتهای الهی
۶۵۸	فهمیدن و درک غذا قبل از خوردن
۶۵۹	رغبت آدمی به غذا
۶۶۰	حکمت‌های نهفته در دانه گندم
۶۶۳	طبقات و اصناف ملائکه و اعمال ایشان
۶۶۶	سبب تقصیر مردم در شکرگزاری
۶۶۷	طریقه تحصیل شکر حضرت باری
۶۷۰	صفت سی و دوم: جزع و بی‌تابی
۶۷۰	صبر و شکیبایی
۶۷۳	صبر در حال رفاه و نعمت
۶۷۶	ثمراتی که بر صبر مترتب می‌شود
۶۷۹	اموری که طالب صبر باید مراعات نماید
۶۸۳	صبر حضرت ایوب علیّه السلام
۶۸۷	صفت سی و سوم: فسق و خروج از اطاعت خدا
۶۸۸	باب پنجم اسرار و آداب عبادات
۶۸۸	مقصد اول: در طهارت و نظافت

۶۸۹	آداب باطنی طهارت بدن
۶۹۰	آداب باطنیه طهارت بدن از حدث
۶۹۲	مقصد دوم: بعضی از اسرار و آداب باطنی نماز
۶۹۴	چیزهایی که حقیقت و روح نماز است
۶۹۵	غفلت از روح و حقیقت نماز
۶۹۹	اسباب آداب باطنی نماز
۷۰۱	راه تحصیل اسباب و آداب باطنی نماز
۷۰۳	أسرار و اشارات متعلق به شروط و افعال و ارکان نماز
۷۰۶	آداب ورود و دخول به نماز
۷۰۸	آداب قرائت و بقیه اعمال نماز
۷۱۲	آداب و شرایط امام جماعت
۷۱۳	مقصد سوم: آداب باطنی ذکر و دعا
۷۱۴	بعضی از آداب و شرایط دعا
۷۱۶	مقصد چهارم: بعضی از شرایط و آداب تلاوت قرآن
۷۱۷	آداب ظاهری و باطنی قرائت قرآن
۷۲۲	مقصد پنجم: شمه‌ای از آداب روزه
۷۲۴	درجات روزه
۷۲۵	مقصد ششم: بعضی از آداب حج
۷۲۵	بعضی از أسرار آداب باطنی حج
۷۲۶	اموری که هنگام توجه به حج باید مراعات شود
۷۲۸	أسرار باطنی مقدمات و اعمال حج
۷۳۳	مقصد هفتم: آداب زیارت بعضی از مشاهد مشرفه
۷۳۵	ثواب و فضیلت زیارت

